۱۵ سئانس فوق‌العاده برای «مردن در آب مطهر»

فیلم سینمایی «مردن در آب مطهر» ساخته برادران محمودی در شهرستان‌ها به سئانس فوق‌العاده رسید.

آن‌طور که مهر نوشته است، مردن در آب مطهر به نویسندگی و کارگردانی نوید محمودی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی به ۱۵ سئانس فوق‌العاده در شهرهای مشهد، شیراز و کیش رسید.

علی شادمان، ندا جبرائیلی، متین حیدرنیا، صدف عسگری، سوگل خلیق، علیرضا آرا، امیررضا رنجبران، خیام وقار، پیمان مقدمی، مهتاب جعفری، فرید اسحاقی، فاطمه شکری، محیا رضایی، فاطمه میرزایی و علیرضا مهران بازیگران این فیلم هستند.

عاشقانه تازه برادران محمودی قصه چند جوان مهاجر افغان را روایت می‌کند که قصد رفتن به اروپا را دارند. داستان فیلم تا پایان، حول محور عشق و مهاجرت می‌گردد؛ دو موضوعی که هر کدام به تنهایی چالش‌برانگیز هستند و حالا کنار یکدیگر چالش‌های بزرگی را رقم زده‌اند.

محمد عسگری، دستیار مجید مجیدی همراه با این کارگردان و هومن به‌منش فیلمبردار فیلم سینمایی «خورشید» کنار هم دیده می‌شوند| عکس‌ها: سحاب زری‌باف

گفت‌وگو با محمد عسگری، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی

۴ ماه دنبال بازیگر گشتیم!

علی رستگار

سینما

پرافتخارترین کارگردان تاریخ جشنواره فیلم فجر و رکورددار دریافت سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی برای ساخت فیلم‌های بچه‌های آسمان، باران، بید مجنون و آواز گنجشک‌ها، حالا با تازه‌ترین فیلمش «خورشید» در سی و هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور دارد و آن‌طور که از دیده‌ها و شنیده‌ها برمی‌آید، دوباره به سینمای همیشگی، تاثیرگذار و دوست‌داشتنی‌اش برگشته است. مجید مجیدی نامی معتبر و در کلاس جهانی برای سینمای ایران است و در طول همه این سال‌ها استاندارد و جذابیت‌هایی را در فیلمسازی رعایت کرده و مخاطب دست‌کم اطمینان دارد که با «فیلم» و «سینما» روبروست. ظاهرا خورشید، همچون فیلم‌های درخشان کارنامه این فیلمساز، قابلیت دوست‌داشته شدن را هم دارد.

در بحبوحه استقبال مردمی از تازه‌ترین ساخته مجیدی در این روزها و شب‌های جشنواره فیلم فجر، سراغ محمد عسگری، دستیار اول کارگردان و مدیر برنامه‌ریزی فیلم خورشید رفتیم و درباره چند و چون تولید و محتوای فیلم با او حرف زدیم؛ به‌ویژه درباره انتخاب روح‌ا... زمانی، بازیگر نوجوان فیلم که از طریق اعلام فراخوان و پس از تست‌های فراوان از انبوهی نوجوان برای بازی در خورشید انتخاب شده که گویا بازی او از مهم‌ترین امتیازات فیلم هم است.

آنهایی که تا اینجا خورشید را دیدند، این فیلم را یکی از بهترین آثار مجید مجیدی می‌دانند، همین‌طور است؟

هر فیلم یك طعم و رنگ و بویی دارد، اما بله می‌شود گفت خورشید از لحاظ کیفیت یکی از قدرتمندترین فیلم‌های آقای مجیدی است.

شما چند سالی است ثابت‌ترین عضو گروه فیلمسازی مجیدی هستید و در فیلم‌های محمد رسول‌ا...(ص)، آنسوی ابرها و خورشید دستیار اول او بودید، مهم‌ترین ویژگی‌های مجیدی در کارگردانی را چه می‌دانید؟ از سختی‌ها و چالش‌های جذاب کارکردن با او بگویید.

آن نکته‌ای که در کارگردانی آقای مجیدی، خیلی اهمیت دارد، حس است. حس، هنگام تولید فیلم‌های ایشان بالاترین جایگاه را پیدا می‌کند. او گاهی به لحاظ تکنیکی، خیلی چیزها را فدای حس می‌کند و اعتقاد دارد وقتی فیلم روح و حس نداشته باشد، اجرای هیچ‌کدام از تکنیك‌های جذاب و حیرت‌انگیز سینما هم کاربرد ندارد. آقای مجیدی بسیار دلسوز و دل‌رحم است، اما در عین حال در کار جدی و محکم است. دغدغه‌های او در فیلمسازی بسیار لذتبخش است.

شما برای مجیدی بازی هم کرده‌اید، نقش ابولهب در فیلم محمد رسول‌ا...(ص)؛ بازیگری در فیلم‌های او سخت‌تر است یا دستیاری کارگردانی و برنامه‌ریزی فیلم؟

هر دو هم سخت است و هم شیرین. یعنی اگر آقای مجیدی هنگام کار، سختگیری می‌کنند، دلیلش این نیست که آدمی غیرمنطقی است، بلکه کارش برایش بسیار اهمیت دارد. در این سال‌ها که با آقای مجیدی کار کرده‌ام، چند بار این جمله را گفته است که «فیلم، یك بار ساخته می‌شود»، یعنی شما مثلا ده بار سوار ماشین می‌شوید، ده بار غذا می‌خورید و... اما فیلم را یك بار می‌سازند و سال بعد نمی‌آیند دوباره فیلمی به نام خورشید بسازند، بنابراین همه تلاش‌ها در ساخت فیلم باید به گونه‌ای باشد که بعدا حسرت آن را نخورید. بنابراین همه صحنه‌ها برای آقای مجیدی بسیار مهم است و تا به آن چیزی که می‌خواهد، نرسد، رضایت نمی‌دهد و حتی در برخی موارد عصبانی هم می‌شود، ولیکن هر رفتاری که انجام می‌شود، برای فیلم است.

یکی از سخت‌ترین کارها درباره این فیلم، انتخاب بازیگران نوجوان بود که ظاهرا پروسه‌ای طولانی و دشوار داشت.

ما برای انتخاب بازیگر به همه مناطق و استان‌های کشور رفتیم. بخش انتخاب بازیگر فیلم، از اسفند سال گذشته شروع شد و تا خرداد امسال ادامه پیدا کرد، یعنی این پروسه تقریبا بیش از چهار ماه طول کشید و ما دنبال بازیگر می‌گشتیم و تقریبا به همه مدارس راهنمایی استان تهران رفتیم، اما چیزی که باب میل من بود تا او را به آقای مجیدی معرفی کنم، نبود. بعد از آن همه شهرهای کشور را گشتیم، خیابان به خیابان، سرچهارراه‌ها، کوچه به کوچه، پارك‌ها و هرجایی که شما فکر کنید را جست‌وجو کردیم تا درنهایت به بچه‌هایی رسیدیم که در فیلم خورشید می‌بینید.

ظاهرا در این میان روح‌ا... زمانی (بازیگر نوجوان فیلم)، مهم‌ترین کشف خورشید است.

بله، همین‌طور است. بازیگری که بتواند بار یك فیلم سینمایی را به دوش بکشد، حتما کار سختی دارد که زمانی موفق شده آن را انجام دهد.

کشف نابازیگران به‌ویژه افراد کودك و نوجوان و بازی خوب گرفتن از آنها، از مهم‌ترین ویژگی‌های مجیدی است و حالا خورشید هم از این خصوصیت، مستثنا نیست.

این هنر کارگردان است. گام اولش این است فیلمساز خودش را به چالش می‌کشد. در حالی که ساده‌ترین راه این است که کارگردان سراغ چند بازیگر حرفه‌ای برود و با آنها کار کند، اما این‌که فیلمساز دنبال عافیت‌طلبی نباشد و سراغ پیدا کردن بازیگران جدید و ناشناخته برود و چالش کار کردن با آنها را بپذیرد، بحث مهم و قابل اشاره‌ای است. به هرحال این افراد تازه‌ای که جلوی دوربین آقای مجیدی می‌روند، بازیگران شش‌دانگی نیستند و هرکدام مشکلاتی در بازیگری دارند و تکنیك را نمی‌دانند و کارگردان و گروه فیلمسازی حتما مسائل و داستان‌هایی در دل کار و در این مورد دارند. این‌که یك کارگردان، پنج آدم جدید را در بخش بازیگری به این سینمای تکراری معرفی می‌کند، خودش یك هنر است.

از قدیم صحبت‌هایی مطرح بوده درباره مجیدی که روش‌ها و ترفندهای گاه نامتعارف و بیرحمانه‌ای را برای بازی گرفتن از نابازیگران کودك و نوجوان به کار می‌برد و اشك بچه‌ها را درمی‌آورد تا حس و حال صحنه‌ها طبیعی باشد. واقعا همین‌طور است؟

بله، این در سینما طبیعی است و خیلی از کارگردان‌ها مثل آقای عباس کیارستمی از این کارها کرده‌اند و خیلی از فیلمسازهایی که با کودکان و نوجوانان کار می‌کنند، همیشه یك فیلم دیگری را پشت صحنه راه می‌اندازند تا بتوانند بازی خوبی از آنها بگیرند و بچه‌های نابازیگر بتوانند حس و حال صحنه‌ها را آن‌طور که باید بازی کنند.

دو نکته جالب و قابل اشاره دیگری که درباره خورشید مطرح است، یکی همکاری مجیدی با فیلمنامه‌نویس و کارگردان جوان سینما، نیما جاویدی است که خودش فیلم‌هایی چون ملبورن و سرخپوست را در کارنامه دارد و دیگری هم بازی علی نصیریان در یك نقش منفی و متفاوت. به‌خصوص حضور نصیریان در خورشید از این نظر اهمیت دارد که او سال گذشته برای بازی‌اش در مسخره‌باز برنده سیمرغ بلورین شد و حتما فیلمنامه و نقش، کیفیت ویژه‌ای داشته که او را برای حضور در فیلم و بازی در آن مجاب کرده است.

درباره نوشتن فیلمنامه به صورت مشترك که این اولین‌بار نیست در سینمای آقای مجیدی اتفاق افتاده و ایشان قبلا هم این کار را کرده است، فیلم قبلی یعنی آن‌سوی ابرها را با آقای مهران کاشانی نوشت و فیلمنامه محمد رسول‌ا...(ص) را هم با آقای کامبوزیا پرتوی. ایشان در برخی فیلم‌های قبلی هم به همین صورت عمل کرد. به‌جز این و درباره بازیگری فیلم هم باید بگویم همه ما دوست داشتیم که آقای علی نصیریان در فیلم حضور داشته باشند، به دلیل این‌که از کلیشه‌ها به دور بود و تاکنون چنین نقشی را از ایشان ندیده بودیم. آقای نصیریان چه جلوی دوربین و چه پشت دوربین بسیار منضبط و قانونمند بودند و اصلا در سینما به همین ویژگی معروف هستند. اصولا خوشبینانه‌اش این است که بازیگران به دلیل مشغولیت کاری و پیشنهادهای دیگر، حداقل پنج شش روز طول می‌کشد تا فیلمنامه پیشنهادی را بخوانند و نظر مثبت یا منفی‌شان را برای حضور در پروژه اعلام کنند، اما آقای نصیریان فردای شبی که فیلمنامه را به ایشان دادم، با من تماس گرفتند و گفتند خورشید فیلمنامه بسیار خوبی دارد و من در این فیلم هستم.

جواد عزتی و طناز طباطبایی هم از دیگر چهره‌های حاضر در خورشید هستند.

این دو بازیگر حضور متفاوتی در این فیلم دارند، به ویژه جواد عزتی. با این‌که قبلا با او کار کرده بودم، اما خورشید، یکی از بهترین بازی‌های عزتی است. به خاطر این‌که او در این فیلم، هنر بازی نکردن جلوی دوربین را انجام می‌دهد که به نظرم خیلی کار سختی است و فقط یك بازیگر خوب و باتجربه می‌تواند از پس آن برآید. عزتی لحظاتی را در خورشید ثبت کرده که شاهکار بازیگری است.

مجیدی بیشترین سیمرغ کارگردانی را از جشنواره فیلم فجر دریافت کرده است، فکر می‌کنید خورشید می‌تواند یکی از گزینه‌های دریافت سیمرغ در این بخش و بخش‌های دیگری چون بهترین فیلم باشد؟

به هرحال دریافت سیمرغ می‌تواند حق آقای مجیدی باشد، اما ایشان هیچ گونه علاقه و گرایشی نسبت به گرفتن و نگرفتن جایزه ندارد، آنچه بیشترین اهمیت را برای ایشان دارد، این است فیلمی بسازد که مردم دوست داشته باشند. برای کسی که جوایز و افتخارات زیاد داخلی و خارجی در کارنامه دارد، چیزهایی از این دست اولویت بیشتری پیدا می‌کند. آقای مجیدی می‌توانست با همین فیلم خورشید در جشنواره خارجی حضور داشته باشد، اما نمایش فیلم در جشنواره فیلم فجر و برای مردم کشور، برایش بسیار اهمیت داشت. در همین چند روزی که فیلم کمی دیر به جشنواره رسید، به من می‌گفت ما ده روز زمان کم آوردیم و فیلم به لحاظ روتوش و ریزه‌کاری‌ها هنوز کار دارد، اما چون مردم کشورم را دوست دارم و دلم می‌خواهد این فیلم را در جشنواره اکران کنم، مجبورم با همین شکل آن را نمایش دهم.

فیلم خورشید به کودکان کار می‌پردازد که به نوعی یادآور بدوك، اولین فیلم سینمایی مجیدی، است.

بدوك هم درباره کودکان کار است، اما کار آنجا مفهوم دیگری دارد و بچه‌ها بیشتر به کار قاچاق گماشته می‌شوند. نکته قابل اشاره‌ای اینجا مطرح است و مردم فکر می‌کنند آن بچه‌هایی که سر چهارراه‌ها و در خیابان‌ها اسپند دود کرده و ماشین‌ها را پاك می‌کنند، کودکان کار هستند؛ در حالی که اینها اصلا کودکان کار نیستند و بیشتر متکدی هستند. کودك کار، بچه‌ای است که در مکانیکی، تراشکاری، لاستیك‌سازی، کوره‌های آجرپزی و... کار می‌کند و سنش در حد سن کار نیست. مثلا هفت‌سال دارد اما در کوره آجرپزی کار می‌کند. با این‌که آن بچه‌های سر چهارراه‌ها هم قابل احترام هستند، اما هرچه باشد نمی‌توان آنها را به عنوان کودکان کار در نظر گرفت و آنها بیشتر چهره شهر را مخدوش می‌کنند. در هر صورت در فیلم خورشید، دقیقا روی کودکان کار زوم شده است؛ کودکانی که غالب پدران و مادران‌شان درگیر اعتیاد هستند و خودشان نان‌آور خانه می‌شوند و من خیلی در بخش انتخاب بازیگر، با چنین بچه‌هایی مواجه شدم. هفت هشت دستیار من در شهرهای مختلف بچه‌هایی را می‌دیدند و به من معرفی می‌کردند و از میان آنهایی که در مرحله اول انتخاب شده بودند، خودم هم روزانه از صندفر تست می‌گرفتم تا اگر مورد مناسبی پیدا شد به آقای مجیدی معرفی کنم. خیلی از اینها بچه‌هایی بودند که هم درس می‌خواندند و هم کار می‌کردند و نان‌آور خانه بودند. تا دلتان بخواهد از این بچه‌ها دیدم که هم ناراحت‌کننده بود و هم به من امید را هدیه می‌داد. گاهی کودکان کار ۱۱ساله و با همین حدود سنی را می‌دیدم و به قدری اهداف بزرگی در زندگی داشتند که حیرت می‌کردم.

بازگشت به سینمایی که دوستش می‌داریم

حبیب ایل بیگی

قائم‌مقام بنیاد سینمایی فارابی

دهمین ساخته مجید مجیدی که درباره کودکان کار ساخته شده یك فیلم شریف، پاك و انسانی است و به نوعی شاید مجیدی با این فیلم بازگشتی داشته به سینمای مورد علاقه‌اش؛ سینمایی که ما تماشاگران آن را بسیار دوست می‌داریم.

در تمام مدتی که به تماشای خورشید نشسته بودم این شعر رهی معیری در ذهنم می‌چرخید:

چشم فروبسته اگر واکنی / درتو بود هر چه تمناکنی

عافیت از غیر نصیب تو نیست / غیر تو ای خسته طبیب تو نیست

از تو بود راحت بیمار تو / نیست به غیر از تو پرستار تو

همدم خود شو که حبیب خودی / چاره خود کن که طبیب خودی

غیر که غافل زدل زار توست / بی خبر از مصلحت کار توست

چشم بصیرت نگشایی چرا؟ / بی خبر از خویش چرایی چرا؟

تا ره غفلت سپرد پای تو / دام بود جای تو ای وای تو

از ره غفلت به گدایی رسی / ور به خودآیی به خدایی رسی ...

به گمانم همه کلیدواژه‌هایی که مجیدی در خورشید به مخاطبش ارائه می‌کند در پی رسیدن به همین موضوع است. این که به توانایی‌های خودمان ایمان داشته باشیم و با داشته‌های خود زندگی و آینده‌مان را بسازیم و دست نیاز به سوی غیر دراز نکنیم. چنین مضمون و موضوعی هر قدر که دارای بار محتوایی و ارزشی مثبت است، قابل تعمیم به گستره‌ای بزرگ‌تر در زندگی روزمره ماست و شاید به صورت غیرمستقیم اشاره‌ای دارد به وضعیت کنونی کشورمان و فشارهای ناشی از تحریم‌های ظالمانه آمریکا و تلاش بر داشته‌های خودمان و بی‌نیازی از سایر قدرت‌ها و کشورها.

مجیدی در خورشید سراغ قشر متفاوتی از جامعه رفته؛ قشری فرودست که وی شناخت بسیار خوبی از آنها دارد و از این طریق داستان خود را برای مخاطبش تعریف می‌کند. داستانی که به‌شدت انسانی است و مفهوم والای ایثار را نیز به خوبی معنا کرده است. از دیگر سو خورشید یك فیلم امروزی است و موضوعی را به تصویر کشیده که دغدغه افراد بسیاری از جامعه کنونی است و ما به ازاهای بیرونی فراوانی دارد که هر یك از ما در طول روز حداقل چندین بار با این موارد روبه‌رو می‌شویم.

ساختار خورشید نیز مولفه‌های متفاوتی دارد. از فیلمبرداری متفاوت هومن بهمنش گرفته که کاملا در خدمت موضوع و مضمون فیلم است و حس بسیار زیادی را به تماشاگر منتقل می‌کند تا بازی درخشان استاد بی‌بدیل بازیگری علی نصیریان و همچنین نقش‌آفرینی‌های ارزشمند جواد عزتی و طناز طباطبایی و صد البته الحق و والانصاف باید به بازی بسیار درخشان بازیگر نوجوان فیلم اشاره کنم که یکی از شاهکارهای بازیگری در سینمای ایران است و یك بار دیگر قدرت مجیدی را در استفاده از چهره‌های ناشناخته و نابازیگر و بازی گرفتن بسیار تحسین‌برانگیز از ایشان را به اثبات می‌رساند. به هر شکل خورشید را باید بازگشت مجدد مجید مجیدی به سینمای مورد علاقه‌اش دانست؛ بازگشتی که سبب می‌شود خورشید را جزو یکی از آثار ماندگار سینمای ایران قلمداد و به سازنده‌اش بابت ساخت چنین اثری افتخار کنیم.